

بهترین تکنیک‌های استفاده از دستورات توقف و حد زیان

(چکیده فصل ۴ کتاب معامله با بهترین الگوهای نموداری)

نکته: منظور از دستور توقف همان **stop** هست. منظور از حد زیان همان **stop loss** است.

قانون بولکوفسکی می‌گوید: «اگر قیمت سهم کاهش یافت، آن را بفروشید. این قانون ساده است و تمام چیزی که باید بدانید تا در بازار سهام سود کسب کنید نیز همین قانون است.» ممکن است فریاد سر دهید و این ادعا را مطرح کنید که من مسائل را خیلی ساده فرض کرده‌ام، اما من معتقدم که معامله در بازار سهام مانند یک بازی است که تنها یک قانون دارد:

«اگر قیمت سهم کاهش یافت، آن را بفروشید.» چه چیز دیگری باید در مورد بازار سهام آموخت؟

مطالب زیادی در مورد بازار وجود دارد. **در بازار سهام سود کردن آسان است، اما زیان کردن آسانتر است؛** بنابراین چه زمانی باید سهم را فروخت؟ این فصل به تکنیک‌های مدیریت سرمایه و پاسخ به این سؤالات می‌پردازد.

دستورات فروش در هنگام کاهش قیمت

انواع بسیاری از دستورات توقف معامله وجود دارد، اما شناخته شده‌ترین آن‌ها، **دستور فروش در هنگام کاهش قیمت** است. این دستور، برای فروش سهمی است که تا یک قیمت مشخص کاهش می‌یابد. این دستور فروش به معنای فروش سهم همراه با ضرر نیست، همچنین ممکن است خروج از سهم دقیقاً در آن قیمتی که باب میل شماست نیز اتفاق نیفتد.

به عنوان مثال، فرض کنید که سهمی را در ۳ دلار خریداری کرده‌اید و هم‌اکنون در قیمت ۲۱ دلار قرار دارد. در این زمان شما به کارگزار خود دستور می‌دهید که اگر قیمت سهم به ۲۰ دلار کاهش یافت، سهامتان را به فروش برساند. اگر قیمت سهم در ۲۰ دلار باشد، دستور توقف باعث بسته شدن معامله شما می‌شود و احتمالاً در قیمت ۲۰ دلار از این سهم خارج می‌شوید، البته بسته به شرایط بازار می‌توانید در سطوح دیگری نیز از بازار خارج شوید. این همه کاری است که یک دستور توقف انجام می‌دهد. **دستور توقف باعث محافظت از سود یا به حداقل رساندن زیان می‌شود.**

دستورات فروش در هنگام افزایش قیمت

فرض کنید سهام اینترنتی مورد علاقه خود را بدون اینکه وارد معامله شوید، دنبال می‌کنید. فرض کنید که روند قیمت برای ماه‌ها نزولی است؛ اما اخیراً به کف رسیده، اندکی افزایش یافته و سپس برای دومین بار به کف برخورد می‌کند و کف دوگانه

بالقوه‌ای را شکل می‌دهد. یک ماه بعد، قیمت سهم بالاتر از نقطه تأیید بسته می‌شود و الگو را تأیید می‌نماید که این یک هشدار خرید است. شما ۱۰۰۰ سهم را در قیمت ۱۰ دلار خریداری می‌کنید و به خود قول می‌دهید که اگر ۲۰۰۰ دلار سود کسب کردید، آن را بفروشید. **این رقم می‌تواند دستور فروش شما در هنگام افزایش قیمت باشد.** این دستور فروش زمانی قرار داده می‌شود که شما در مورد سود انتظاری خود قبل از فروش اطلاع دارید.

این نوع دستور فروش می‌تواند در زمان کاهش قیمت هم مورد استفاده قرار گیرد. اگر فرضاً گزارش درآمدی این شرکت اینترنتی منتشر شود و بدتر از حد انتظار باشد، ممکن است سهم به ۸ دلار سقوط کند که معادل ۲۰۰۰ دلار زیان است. این رقم **هدف زیان** شماست و شما تصمیم به فروش خواهید گرفت.

من از این نوع دستور فروش استفاده کرده‌ام، اما به ندرت. در بسیاری از مواقع احساس آدم‌های خسیسی را دارم که در حال شمردن سکه‌ها، مشاهده ثروت و بررسی دارایی‌هایم هستم. هنگامی که قیمت سهمی صعود می‌کند و سودم افزایش می‌یابد، کلمه فروش به ذهنم خطور می‌کند. معمولاً این کار را انجام نمی‌دهم و به جای آن، از نزدیک شرایط سهم و احتمال رسیدن به سقف را بررسی می‌کنم. اگر احساس کنم که سهم به اوج خود رسیده یا مسائل بنیادی تغییر کرده است، سپس آن را می‌فروشم.

دستور فروش در هنگام افزایش قیمت می‌تواند شما را همراه با سودی خوب از بازار خارج کند. در بسیاری از مواقع، من از قانون اندازه‌گیری برای الگوهای نموداری استفاده می‌کنم تا میزان صعود قیمت را برآورد نمایم. این روش در تلفیق با سطوح مقاومت و عوامل دیگر، بهترین پیش‌بینی را برای هدف‌های صعودی مهیا می‌کند. با این حال چنین روشی، سود شما را نیز محدود می‌نماید. به چنین چیزی طمع می‌گویند. طمع شما چقدر است؟

دستور فروش زمانه

این نوع دستور فروش هنگامی استفاده می‌شود که مثلاً اگر سهم **طی یک هفته حرکت نکند، آن را به فروش برسانید.** تفکر پشت این نوع دستور فروش، **استفاده حداکثری از سرمایه** است.

برخی تحلیلگران استدلال می‌کنند که هر چه زمان ماندن در معامله‌ای طولانی‌تر شود، احتمال کمتری وجود دارد تا آن معامله به نتیجه برسد؛ در نتیجه بهترین معاملات آنهایی هستند که **فوراً** نتیجه می‌دهند. بنابراین اگر می‌خواهید موجودی خود را سریعاً به گردش درآورید، مقدار اندکی سود بردارید و از سهم خارج شوید، سپس دوباره بخرید و سریعاً آن را بفروشید. **اگر سهمی دارای حرکت افقی بود، آن را بفروشید و به دنبال سهم مناسب‌تری باشید.** سرمایه خود را برای مدتی طولانی درگیر سهمی نکنید که حرکتی ندارد. این روش برای معامله‌گرانی که دارای سرمایه‌ای محدود هستند مفید است (سبد سهام کوچک).

من زیاد از این نوع دستور فروش استفاده نمی‌کنم، به‌جز زمانی که بخواهم حسابم را از یک کارگزاری به کارگزاری دیگر منتقل نمایم. من به سهم‌هایی که دارم فرصت می‌دهم تا حرکت خود را آغاز کنند؛ اما زمانی که خواهان انتقال حسابم باشم، باید سریعتر معامله کنم.

برای مثال ممکن است بخواهید قبل از رفتن به تعطیلات، سهم‌های خود را بفروشید یا صورت‌حساب خود را پس از تعطیلات پرداخت کنید.

من خیلی مشتاق استفاده از دستورات توقف زمانی نیستم، اما گاهی مجبور به استفاده از آن‌ها می‌شوم. بر اساس تجربه دریافته‌ام که هر چه معاملات کمتری انجام دهم، بازدهیم بهتر خواهد بود. دستورات فروش زمانی در طرف مقابل چنین عقیده‌ای قرار دارد؛ اما اگر استفاده از آن برای شما نتیجه‌بخش است، از آن استفاده نمایید.

دستور فروش متحرک

دستور فروش متحرک، شاید پرکاربردترین نوع دستور فروش باشد. این نوع دستور همان بالا بردن مکان دستور توقف در هنگام صعود قیمت سهم است. هیچ مکانیزمی وجود ندارد که بتواند این دستور را به طور خودکار انجام دهد؛ در نتیجه باید خودتان دستور فروش قبلی را متوقف کرده و دستور جدید را در نمودار قرار دهید.

کارکرد دستور فروش متحرک، دشواری پیدا کردن دستور فروش مناسب و میزان دشواری فروش در سقف وجود دارد. فروش سهمی همراه با سود مانند به زمین نشاندن یک هواپیمای در حال سقوط است.

دستور فروش در نقطه سربه‌سر^۲

هنگامی که به اندازه کافی در معامله‌ای وارد سود شدید، بهتر است دستور فروش خود را به نقطه سربه‌سر منتقل نمایید. این نصیحت خوبی است، اما اندازه کافی سود به چه معناست؟ فرض کنید که سهم را در ۲۰ دلار خریداری نموده‌اید و سطح ۱۸ دلار حد زیان شماست. ریسک این معامله ۲ دلار به ازای هر سهم است (۲۰ منهای ۱۸). زمانی که سود دو برابر ریسک شد، دستور توقف را به نقطه سربه‌سر منتقل کنید. در این مثال اگر قیمت سهم به بالای سطح ۲۴ دلار رسید، باید حد زیان در قیمت ۱۸ دلار را متوقف و دستور توقف را به ۲۰ دلار منتقل نمایید.

مسلماً می‌خواهید که دستور توقفتان در زیر یک سطح حمایتی قرار داشته باشد، بنابراین انتقال آن به سطح عددی دلخواه مانند ۲۰، ممکن است بهترین گزینه نباشد. مناطق حمایتی نزدیک را بیابید و دستور توقف را درست در زیر آن قرار دهید. همچنین همگام با افزایش قیمت سهم، دستور توقف را هم افزایش دهید.

دستور فروش ذهنی

دستور فروش ذهنی مسلماً بیشترین استفاده را دارد، اما تعداد اندکی در مورد آن مطلبی شنیده‌اند. این نوع دستور فروش به کارگزار اعلام نمی‌شود، بلکه در ذهن شما می‌ماند. مثلاً ممکن است با خود بگویید: زمانی که سهم به ۱۰ دلار سقوط کند، آن را می‌فروشم. سرمایه‌گذاران تازه‌کار پس از رسیدن قیمت به ۱۰ دلار معمولاً بهانه‌ای می‌یابند تا از این دستور فروش چشم‌پوشی کنند و سهم را نگه دارند و در روند نزولی با آن همراه شوند.

من غالباً از دستور فروش ذهنی استفاده می‌کنم. قبل از ورود به معامله، من میزان کاهش احتمالی و افزایش احتمالی قیمت را حدس می‌زنم. من میزان ضرر را محاسبه کرده و سعی می‌کنم آنرا در اندازه ۱۰ درصد یا کمتر نگاه دارم. اگر احساس کنم که قیمت سهم به سقف خود رسیده و یا به سمت نقطه فروش من در حال کاهش است، سهم را می‌فروشم. پیش‌تر سعی می‌کردم تا سهم‌هایم را خرد خرد بفروشم تا بتوانم قیمت بهتری برای فروش پیدا کنم، اما از انجام این کار مأیوس شدم. در حال حاضر همه سهم را یکجا می‌فروشم.

اگر از دستور فروش ذهنی استفاده می‌کنید، حتماً باید بر اساس آن عمل کنید. دستور فروشتان را را پایین‌تر نیاورید یا برای نگهداری سهم، بهانه‌های دیگری پیدا نکنید. قانون بولکوفسکی که در اول این فصل ذکر کرده بودم را به یاد بیاورید: «اگر قیمت سهم کاهش یافت، آن را بفروشید. این قانون ساده است و تمام چیزی که باید بدانید تا در بازار سهام سود کسب کنید نیز همین قانون است.»

قرار دادن دستور فروش و هشدارهای فروش

دستور فروش یا حدزبان را در زیر سطح حمایت (برای معاملات خرید) یا بالاتر از سطح مقاومت (برای معاملات نسیه فروش) قرار دهید. سطوح حمایت شامل نزدیکترین فرود فرعی، خط روند، منطقه تثبیتی یا دیگر انواع ابزارهای تکنیکی می‌شود.

مقاومت در اوج قدیمی: هر زمان قیمت به اوجی قدیمی برخورد کند، معمولاً در آنجا متوقف می‌شود. گاهی اوقات مثلاً در الگوی سقف دوگانه، قیمت‌ها نه‌تنها در سقف دوم متوقف می‌شوند، بلکه کاهش قیمت پس از سقف دوم بیشتر نیز خواهد بود. اگر خواهان برداشت بخش بزرگی از سود خود هستید، یا اگر معامله‌ای کوتاه مدت انجام می‌دهید، دستور فروش را درست در زیر سقف قیمت قرار دهید. توجه داشته باشید که در ۶۵ درصد از مواقع، قیمت به زیر نقطه تأیید (کف الگوی سقف دوگانه) کاهش نیافته و اوجی جدی خواهد ساخت.

حمایت در فرود فرعی: زمانی که قیمت به سطح آخرین فرود فرعی شکل گرفته در نمودار می‌رسد، احتمال بالایی

وجود دارد تا در آنجا متوقف شود؛ زیرا فرود فرعی یک منطقه حمایتی است. به همین دلیل است که فرودهای فرعی، نقاط توقف پرباربردی هستند.

حایت در خط روند: کاهش قیمت باعث شکسته شدن خط روند می‌شود. آیا باید نگران بود؟ احتمالاً نه. نفوذ قیمت

به خط روند افزایشی، تنها در ۳۸٪ از مواقع باعث تغییر روند می‌شود. به عبارت دیگر، فروش پس از نفوذ قیمت به خط روند، در دوسوم مواقع تصمیم اشتباهی است. نفوذ قیمت به خط روند باعث تغییر روند نمی‌شود، بلکه کاهش حداقل ۲۰٪ قیمت به معنای تغییر روند است.

اعداد صحیح: حمایت و مقاومت در اعداد صحیح مورد علاقه من نیست اما بر اساس تحقیقات انجام گرفته، سطوح

حمایت و مقاومت در ۲۲ درصد از مواقع در اعداد صحیح ایجاد می‌شوند.

اصلاح فیبوناچی: از توضیح در مورد اعداد فیبوناچی گذر می‌کنم، اما اجازه دهید بگویم که درصدهای ۳۸، ۵۰ و ۶۲

درصد، می‌توانند میزان اصلاح قیمت پس از یک حرکت صعودی باشند. نقاط اصلاحی مهم شامل: یک‌سوم، ۵۰ درصد یا دوسوم است. اگر میزان اصلاح قیمت بیش از دوسوم باشد، احتمالاً نشانه تغییر روند است.

حرکت صعودی مستقیم یا افزایش سریع: فرض کنید قیمت برای چند روز طی یک حرکت مستقیم صعودی

افزایش می‌یابد و در پایان این حرکت متوقف می‌شود. قیمت در آن نقطه قیمت تثبیت شده و گاهی اوقات قبل از آنکه به نقطه ابتدایی حرکت خود کاهش یابد، یک الگوی الماس فوقانی را شکل می‌دهد. این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که سهم نتواند قرار گرفتن در سطوح بالا را تحمل کند. در چنین مواقعی، در انتظار کاهش قیمت سهم نمانید و آنرا فوراً بفروشید.

فروش سهم در صورت برآورده نشدن انتظارات: من این درس را به سختی و طی معامله در سهمی که

الگوی سقف رو به گسترش داشت آموختم. زمانی که یک الگوی نموداری مطابق انتظار رفتار نمی‌کند، از آن معامله خارج شوید به سراغ فرصت‌های دیگری بروید.

کاهش حجم معاملات در طول شکل‌گیری الگوهای سقف: به عنوان نمونه معمولاً الگوی سر

و شانه‌های فوقانی، دارای بالاترین حجم معاملات بر روی شانه سمت چپ، حجم معاملات پایین‌تر در قسمت سر و پایین‌ترین حجم معاملات در شانه سمت راست است. پس از آنکه قیمت زیر خط گردن بسته شد، زمان فروش فرا رسیده است؛ زیرا قیمت سهم کاهش بیشتری خواهد داشت.

فروش فوری سهم در صورت ایجاد شک نسبت به آینده آن: من با چنین وضعیتی هنگام معامله با

سهم Southwest Airlines مواجه شدم. پس از آنکه سهم مطابق انتظار رفتار نکرد، احساس کردم که قیمتش کاهش خواهد یافت؛ بنابراین به جای آنکه منتظر بمانم تا قیمت با حدّ زیانم برخورد کند، آنرا فوراً فروختم. این اقدام مناسبی بود؛ زیرا به جای آنکه زیانی بزرگ متحمل شوم، سود اندکی نیز به دست آوردم.

اگر حدّ زیان را نمی‌توان در فاصله نزدیک قرار داد، در نتیجه آن سهم ارزشمند نیست: این

اتفاق گهگاه رخ می‌دهد. در چنین مواقعی، یک فرود فرعی نزدیک و یا دیگر نواحی حمایتی وجود ندارد تا بتوان حدّ زیان را در آنجا قرار داد. من به معاملاتی که زیان بالقوه آن‌ها (فاصله نقطه خرید تا حدّ زیان) بیشتر از سود بالقوه (معمولاً با کمک تلفیقی

از قانون اندازه گیری و مکان مقاومت بالاسری تعیین می شود) آن ها باشد، وارد نمی شوم. در چنین مواقعی به دنبال فرصتی بهتر در سهمی دیگر می گردم یا منتظر اصلاح قیمت می مانم. اصلاح قیمت ها باعث می شود که حد زیان نزدیک تری انتخاب شود.

قرار دادن دستور فروش در نقطه ای که باعث ایجاد هزینه صفر می شود: این قسمت مربوط به

هشدار فروش یا دستور فروش نیست؛ بلکه بیشتر به مدیریت سرمایه مربوط می شود. زمانی که سود سهم بر روی کاغذ از هزینه های آن بیشتر شد، به اندازه هزینه ها بخشی از سهم خود را بفروشید. به عنوان مثال فرض کنید که ۳۰۰ سهم را به قیمت ۱۰ دلار خریداری نموده اید، بنابراین ارزش سرمایه شما ۳،۰۰۰ دلار است. زمانی که سهم تا قیمت ۱۵ دلار افزایش یافت، می توانید ۲۰۰ سهم را فروخته و ۳۰۰۰ دلار دریافت کنید. بدین ترتیب سرمایه گذاری اولیه شما بازگشته و شما می توانید بدون هزینه صاحب ۱۰۰ سهم باشید. به عبارت دیگر اگر شرکت ورشکسته شده و قیمت سهم به صفر برسد، شما هیچ پولی از دست نخواهید داد.

تذکرات در مورد فروش

به عنوان یک سرمایه گذار و نویسنده، از چند روش برای کاهش اضطراب ناشی از خرید یا فروش استفاده می کنم. در هنگام خرید، از خود می پرسم که آیا ارزش دارد در مورد این معامله بنویسم. اگر پاسخ این باشد که ارزش ندارد، پس شاید بهتر باشد تا وارد آن معامله نشوم. روش دیگر اینست تظاهر کنید که در حال تدریس در کلاس سرمایه گذاری هستید. توصیه شما به شاگردانتان در مورد این سهم چیست، سهم را بفروشند یا نگه دارند؟ اگر پاسخ فروش سهم است، پس باید سهم را بفروشید. مطمئنم که می توانید موقعیت هایی که مناسبان است را ابداع کنید. وانمود کنید که مدیر امور مالی یک شرکت هستید که مالک سهمی در حال نزول است. هنگامی که زیردستانتان در مورد رفتار آینده شما می پرسند، چه پاسخی می دهید؟ مشاوره خود به زیر دستانان را دنبال کنید.

برگرفته از کتاب معامله با بهترین الگوهای نموداری

نویسنده: توماس بولکوفسکی

مترجمین: مهدی میرزایی، پوریا تیرگر، نشر آراد، تابستان ۱۳۹۵

ارتباط با مترجمین: ChartPattern.ir